مطالعات فقه اقتصادی
Economic Jurisprudence Studies

Jurisprudential principles of public welfare and its place in the Islamic government

Nariman Sobhani Nia[1], Meysam Khazaei[2*], Alireza Salimi[3], Abdul Majid Seifi[4]

1. PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Department of Jurisprudence and Law, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran.
2. Assistant Professor Department of Law, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran; Invited Lecturer, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran
3. Assistant Professor Department of Islamic Jurisprudence and Law, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran.
4. Assistant Professor Department of Political Science, Grand Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 73-90

Article history:

Received: 2 Oct 2021

Edition: 4 Dec 2021

Accepted: 14 Feb 2022

Published online: 26 Mar 2022

Keywords:

Public Welfare, Security, Justice, Poverty Alleviation

Corresponding Author:
Meysam Khazaei
Address:
Department of Law, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran.
Orchid Code:
0000-0001-9665-8584
Tel:
09183101003
Email:
meisam.khazaee@abru.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: "General welfare", which means continuous benefit and in moderation of people from divine blessings in a legitimate and reasonable way, has always been considered by human and divine schools and the decision-making of the rulers of societies. The article aims to investigate the jurisprudential principals of general welfare and its status in Islamic government.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Results: Islamic shari'a, as a divine school, has also considered public welfare in the form of concepts such as justice, helping the needy, the deprived and the needy. With a deeper look at the purposes of Shar'a, it is clear that in the case of religious rulings, a great deal of attention has been paid to the general welfare

Conclusion: Shar'a Hakim has tried to reduce the class gap, poverty alleviation, mental and psychological peace in Islamic society and finally the realization of general welfare by disseminating rulings such as zakat, khums, charity, loans, endowments and alimony.

Cite this article as: Sobhani Nia N, Khazaei M, Salimi AR, Seifi AM. Jurisprudential principles of public welfare and its place in the Islamic government. *Economic Jurisprudence Studies.* 2022; 4(1):73-90.

This open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution NonCommercial 4.0 License (CC BY-NC 4.0).

مطالعات فقه اقتصادی
Economic Jurisprudence Studies

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱

مبانی فقهی رفاه عمومی و جایگاه آن در حکومت اسلامی

نریمان سبحانی‌نیا[۱]، میثم خزائی[۲*]، علیرضا سلیمی[۳]، عبدالمجید سیفی[۴]

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه فقه و حقوق، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران.؛ مدرس مدعو واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

۳. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

۴. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره)، بروجرد، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹۰-۷۳

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۹/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۱/۰۶

واژگان کلیدی:

رفاه عمومی، امنیت، عدالت، فقرزدایی.

نویسنده مسوول:

میثم خزائی

آدرس پستی:

ایران، بروجرد، دانشگاه آیت الله بروجردی، گروه حقوق.

تلفن:

۰۹۱۸۳۱۰۱۰۰۳

کد ارکید:

0000-0001-9665-8584

پست الکترونیک:

meisam.khazaee@abru.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: رفاه عمومی که به معنای بهره‌مندی پیوسته و متعادل مردم از امکانات مادی به صورت مشروع و معقول است، همواره مورد توجه مکاتب بشری و الهی و تصمیم‌گیران جوامع، بوده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی مبانی فقهی رفاه عمومی و تبیین جایگاه آن در حکومت اسلامی است.

مواد و روش‌ها: روش پژوهش به صورت توصیفی تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: شرع اسلام به عنوان مکتبی الهی، رفاه عمومی را در قالب مفاهیمی همچون عدل، یاری رساندن به نیازمندان، محرومین و مستمندان، مورد توجه قرار داده است. با نگاهی عمیق‌تر به مقاصد شارع حکیم، مشخص می‌گردد در وضع احکام شرعی توجه فراوانی به رفاه عمومی شده است.

نتیجه: بر اساس سیاست‌گذاری‌های کلان اسلام، رفاه عمومی در شرع اسلام در قالب مفاهیمی همچون عدل، یاری رساندن به نیازمندان، محرومین و مستمندان و تأمین امنیت و آزادی آن‌ها متبلور شده و به عنوان یکی از مقاصد شرع، مطرح می‌گردد. وارسی‌های رفاه عمومی در شرع اسلام نشان از آن دارد که در کنار رفاه مادی، رفاه معنوی نیز مدنظر قرار گرفته به گونه‌ای که هر دو بعد جسمی و روحی انسان را در بر می‌گیرد. نگرش اجتماعی به احکام اسلام، موجب می‌گردد حاکم جامعه اسلامی بتواند با مدیریت زکات، خمس، وقف، صدقات و قرض‌الحسنه گام‌های مهمی را در تحقق رفاه عمومی بردارد.

© تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انجمن علمی حقوق بشر اسلامی ایران می‌باشد.

۱. مقدمه

موضوع رفاه عمومی در مکاتب بشری و الهی و تصمیم‌گیری حاکمان جوامع، مسأله‌ای اساسی و نقش‌پرداز بوده و هست. به گونـه‌ای که در سیاست‌گذاری‌ها، تدوین و تصویب قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه فراوان بوده است. بر این اساس مشاهده می‌شود که در اوایل قرن بیستم، نظریه دولت رفاه مطرح می‌گردد. اهمیت آن نیز بر هیچکس پوشیده نیست؛ زیرا فقر و بی‌عدالتی در جامعه، زندگی را بغرنج ساخته و ارکان حکومت‌ها را دچار تزلزل می‌کند. شرع اسلام نیز به عنوان مکتبی الهی، رفاه عمومی را مورد توجه قرار داده و در قالب مفاهیمی همچون عدل، یاری رساندن به نیازمندان، محرومین و مستمندان در تحقق آن گام برداشته است.

با نگاهی دقیق‌تر به مقاصد شارع حکیم در شرع اسلام، مشخص می‌گردد شرع اسلام، نه تنها نسبت به این موضوع بی‌تفاوت نبوده است بلکه در وضع احکام شرعی توجه فراوانی به این موضوع داشته و خواهان بی‌تفاوتی افراد مکلف نسبت به آن نبوده است. بر این اساس با تشریع احکامی همچون زکات، خمس، صدقه، قرض، وقف و نذر تلاش نموده است رفاه عمومی در جامعه محقق گردد. احکام مذکور ضمن مشخص نمودن تکلیف فردی و اجتماعی مکلفین، نشان از داشتن رویکردی اجتماعی شرع اسلام است که تلاش دارد جامعه‌ای عاری از فقر و بی‌عدالتی به وجود آورد.

توجه به این مفهوم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز بیشتر مورد توجه و در کلام مسؤولان نظام بارها مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان نمونه امام خمینی (ره) می‌فرمایند: «رفاه مستضعفین یکی از مقاصد اسلام است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۴، ۵۳۱). و یا مقام معظم رهبری می‌فرماید: «اساس در نظام اسلامی، عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی. فرق عمده‌ی ما با نظام‌های سرمایه‌داری همین است» (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری، ۱۳۷۲/۱۲/۰۵).

بر اساس این رویکرد است که قانون اساسی ایران در اصول متعددی، رفاه عمومی را مورد تأکید قرار داده است. و قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، در مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۱، به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

متأسفانه با وجـود احکام فـراوان و متعالی در حوزه‌های مختلف، به دلیل نگاه فردی به فقه، کمتر مقاصد الشریعه و رویکردهای اجتماعی به مسائل فقهی مورد توجه قرار گرفته است و همین امر موجب بر زمین ماندن احکامی شده است که با کاربردی نمودن آنها، می‌توان گام‌های اساسی در تحقق "رفاه عمومی" و رفع فقر و بی‌عدالتی در جامعه برداشت. بر این اساس پژوهش حاضر درصدد است در ابتدای امر رفاه عمومی را در شرع اسلام ملاحظه نمایند و در نهایت از دریچه فقه اجتماعی و در راستای تحقق رفاه عمومی، احکامی را به نظاره بنشیند که نگاه فردی به آنها، آنها را مورد بی‌مهری قرار داده است.

با گذری به پیشینه تحقیق، می‌توان به برخی پژوهش‌ها همانند رساله "بررسی سیاست‌ها و

دیدگاه‌های رفاهی حکومت علی بن ابیطالب (ع)" (محمدیان خراسانی، ۱۳۹۱) و مقاله "ارائه و تبیین ارکان جهت‌ساز الگوی راهبردی رفاه عمومی بر اساس تحلیل محتوی آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره)" (موسوی دیجوجین، ۱۳۹۶)، اشاره نمود. لکن پژوهش‌های انجام شده، اغلب در دو حوزه انجام گرفته‌اند. بخشی از آنها بر تبیین مفهوم رفاه اجتماعی و بخشی دیگر بر استفاده از شاخص‌ها و توابع رفاه اجتماعی رایج و بعضا غیربومی برای ارزیابی رفاه عمومی و تمرکز بر خروجی‌ها و وضعیت نهایی شاخصه‌ها در این زمینه تأکید دارند و مبنای عمده بررسی‌های صورت گرفته بر اساس چارچوب نظری اندیشمندان غربی با نگاه به تحقق مولفه‌های مورد تأکید دولت رفاه بوده است، بر این اساس در این پژوهش تلاش گردیده است رفاه عمومی به عنوان یکی از مقاصد شریعت اسلام مورد بررسی و کاربست‌های مهم شرع اسلام در تحقق رفاه عمومی را از دریچه فقه اجتماعی بنگرد. و در پایان جایگاه رفاه عمومی در حکومت اسلامی مورد واکاوی قرار گیرد.

۲. مواد و روش‌ها

روش پژوهش حاضر به صورت توصیفی تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری مورد توجه بوده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد شرع اسلام به عنوان مکتبی الهی، رفاه در جامعه را یکی از مقاصد خود قرار داده است. به این صورت که در بدو امر در قالب احکام ترجیحی مردم را به داشتن رفاه و توسعه مادی در زندگی ترغیب می‌کند. از سوی دیگر ضمن الزام حکومت به ایجاد بسترهای لازم جهت تحقق رفاه عمومی، مردم و حکومت را در قالب مفاهیمی همچون رعایت عدالت، یاری رساندن به نیازمندان، محرومین و مستمندان، به سوی تحقق رفاه عمومی سوق می‌دهد.

۵. بحث

در ابتدا مبانی فقهی رفاه عمومی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سپس رفاه مطلوب و رفاه عمومی به عنوان یکی از اهداف شارع در وضع احکام مورد تحلیل قرار خواهد گرفت و در نهایت به جایگاه رفاه عمومی در قوانین جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

۵-۱. مفهوم‌شناسی

"رفاه عمومی" و "دولت رفاه" اصطلاحاتی هستند که دارای پیشینه زیادی نبوده و در سده‌های اخیر در کلام نظریه‌پردازان متبلور یافته است. بنابراین

درک صحیحی از مفهوم این واژگان نیازمند بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی آنهاست.

۵-۱-۱. رفاه عمومی

«رفاه»، از ریشهٔ «رَفَه»، در فرهنگ فارسی به معنای آسایش و تن آسانی آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷). و در لغت عربی، به آرامش معنا شده است (جوهری، ۱۴۱۰، ۲۴۷). همچنین، "رفاه" به معنای برخورداری از نعمت به صورت پیوسته است و این اطلاق به اعتبار استعمال مجازی است (واسطی زبیدی، ۱۴۲۰، ۳۶۰).

در تعریف رفاه عمومی در معنای اصطلاحی گفته شده است: «تحقق اهداف جمعی و برآوردن خواسته‌ها، نیازها و مطالباتی که از سوی اکثریت افراد جامعه مطرح می‌گردد» (پاتریک، ۱۳۸۳، ۳۰-۳۱). در رویکرد اسلامی، رفاه عمومی به «تحقق خیر و خوشبختی (سعادت) دنیوی و اخروی که اسلام برای انسان و جامعه مدنظر قرار داده است»، تعریف می‌شود (موسوی دیجوجین، ۱۳۹۶، ۲۱۱). بر اساس نگرش اسلامی، رفاه عمومی صرفا ارتقا وضعیت مادی، تلقی نشده و ضمن اینکه وجه و نمود عینی و ذهنی دارد، دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیستی است. در جامعه‌ای که رفاه عمومی در راستای ارتقای مادی و معنوی با رویکرد سعادت بخشی تأمین گردد؛ حداقل چهار هدف کارکردی از طریق تأمین رفاه جامعه شامل وجه ایجاد رضایت، تحقق عدالت، وجود امنیت و ارتقا سلامت نیز محقق می‌گردد (موسوی دیجوجین، ۱۳۹۶، ۲۱۲).

۵-۱-۲. دولت رفاه

رفاه عمومی به دلیل اینکه ساختاری حکومتی دارد و باید حکومت در این راستا تلاش نماید؛ به این دلیل برای تحقق این امر دولتی به نام "دولت رفاه" در کلام نظریه‌پردازان شکل گرفته است. در تعریف این اصلاح گفته شده است دولت رفاه دولتی است که نهادهای قدرت از طریق قانون، وظیفه‌ی تهیه و بهبود رفاه عمومی را وظیفه‌ی مقدم خود می‌شمارند. و دولت رفاه در عمل، بدان معناست که هیچکس بدون درآمد نمی‌تواند زندگی کند (ساعی و سیفی، ۱۳۹۵، ۱۲۲). لذا دولت به همه‌ی کسانی که به نحوی از انحاء و بنابر هر دلیلی قادر به تأمین هزینه‌های خود نیستند، کمک‌های نقدی می‌کند. بدین ترتیب دولت یا از طریق تضمین یک حداقل درآمد ثابت (به عنوان مثال حقوق بیکاری، بیمه‌ی سال‌خوردگی) یا از طریق کمک‌های نقدی دیگر، در هنگام سوانح کاری، ناتوانی جسمی و روحی، بیماری، سال‌خوردگی و فشارهای اقتصادی و ناتوانی در امرار معاش موقعیت افراد را تضمین می‌کند (ساموئلز، ۲۰۱۳، ۲۹۹). چنین دولتی وظیفه دارد برای همگان، ز گهواره تا گور، امکانات پرستاری درمانی، بیمه‌ی بیماری و بیکاری، بازنشستگی، اعانه‌ی خانوادگی و مسکن و خدمات آموزشی و مانند آن‌ها را فراهم کند (آشوری، ۱۳۷۳، ۱۶۴).

۵-۲. مبانی فقهی رفاه عمومی

یکی از مسائلی که در فقه شیعه کمتر بدان توجه شده بود لکن در دهه‌های اخیر بسیار مورد توجه

قرار گرفته است، "مقاصد الشریعه" است. هر چند در لابلای کلمات فقیهان امامیه مشخص می‌گردد که به مقاصد الشریعه توجه شده است. شناخت مقاصد کلان شرع بسان قطب نمایی است که مجتهد را در استنباط احکام از منابع، راهنمایی، و از افتادن در استنباط‌هایی که با اهداف شارع هم‌خوانی ندارد، نجات می‌دهد.

با ذکر این مقدمه کوتاه، رفاه عمومی را نیز باید از مقاصد شرع اسلام دانست. به این دلیل است که فقیه و رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ره) می‌فرماید: «رفاه مستضعفین یکی از مقاصد اسلام است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۴، ۵۳۱). بر این اساس در ادامه رفاه عمومی به عنوان یکی از مقاصد شریعت اسلام مورد واکاوی قرار می‌گیرد:

دیدگاه اسلام نسبت به رفاه عمومی در سیاست‌گذاری‌های کلان اسلام نهفته است، سیاست‌هایی که نه بر مبنای فایده‌گرایی بلکه بر اساس ارزش‌مداری و فضیلت‌گرایی بنا نهاده شده است.

بر خلاف سیاست‌گذاری فایده‌گرایی – که مبنای خود را بر رسیدن به منفعت شخصی می‌داند – بر اساس سیاست‌گذاری فضیلت‌گرایانه، رفاه عمومی به عنوان یکی از فضیلت‌ها شناخته می‌شود. بر این اساس، جمیع افراد، متصدی رفع بی‌عدالتی و فقر در جامعه هستند و این امر به عنوان یک فضیلت شناخته شده است. لذا التفات به رفاه عمومی در شرع اسلام را می‌توان در قالب رجحان مفاهیمی همچون عدل، یاری رساندن به نیازمندان، محرومین، تأمین امنیت و آزادی نظاره کرد. بر مبنای سیاست‌گذاری فضیلت‌گرایانه، انتقال بخشی از ثروت ثروتمندان را طبق ضوابطی مانند زکات، خمس، صدقه، نذر و وقف، دریافت شده، تا برای مصارف اجتماعی و رفع فقر و ایجاد "رفاه عمومی" هزینه گردد (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۶۳، ۴۹).

در این نگرش، رفاه عمومی با بهره‌گیری از قواعد و معیارهای اولویت در فقه اسلامی تبیین می‌شوند. که در منابع دینی می‌توان آنها را ملاحظه نمود:

۵-۲-۱. قرآن کریم

با ملاحظه آیات عام قرآن، ضمن توجه به عدالت‌محوری، با تحدید مصادیقی چون وقف و زکات در نظام اسلامی، با در اختیار داشتن ابزارهای تشریعی از جانب شرع می‌توان رفاه عمومی را محقق ساخت. از جمله آیات عام که سیاست‌گذاری مبتنی بر رفاه عمومی را مورد توجه قرار داده‌اند، عبارتند از:

الف) آیه ۲۹ سوره بقره: خداوند متعالی در این آیه می‌فرماید: «خداوند آنچه در روی زمین است را برای شما آفرید».

مطابق با سیاق آیه فوق، بهره‌گیری از مواهب زمین، برای همه است (قرائتی، ۱۳۸۵، ۸۸). در نتیجه در بهره‌برداری از زمین و منابع طبیعی، رعایت عدل و انصاف ضروری است، که مدیریت جامعه نباید از آن غفلت کند؛ زیرا یکی از اهداف خداوند متعال از ارسال انبیاء برقراری عدالت و اقامه قسط توسط مردم بیان شده است: «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حقّ از باطل و قوانین عادلانه) نازل

کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند» (حدید/ ۲۵). بر این اساس حکومت اسلامی در راستای مشارکت عمومی در بهره برداری از عادلانه از منابع طبیعی، باید در واگذاری‌ها تبعیضی را انجام ندهد تا همه مردم بهره و سهمی را که بالقوه در زمین یا اجتماع دارند به آنها برسد و آن را به فعلیت برسانند (عیوضلو، ۱۳۸۹، ۱۸). نتیجه این امر موجب تحقق رفاه عمومی می‌گردد.

ب) آیه ۷ سوره انفطار: خداوند متعال با اشاره به تعادل در خلقت بشر می‌فرماید: «همان خدایی که تو را آفرید و سامان داد و منظّم ساخت».

هر چند آیه مذکور به تعادل در تکوین اشاره دارد، لکن از ویژگی‌های انسان این است که علاوه بر تعادل در تکوین، از لحاظ تشریع نیز عهده‌دار ایجاد عدالت است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ۲۱۱ -۲۰۷). با لحاظ نمودن این امر، اگر انسان‌ها و مدیریت حاکم بر جوامع به اصل عدالت وفادار باشند و آن را در جامعه رعایت کنند، مشکل فقر و بیچارگی مردم از میان می‌رود و همه به آسایش و رفاه دست می‌یابند.

ج) آیه ۷ سوره حشر: خداوند متعال در این آیه تکلیف اموال فیء را مشخص نموده و می‌فرماید: «آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است»، هدف از آن حکم را نیز چنین بیان می‌کند: «تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد».

یعنی حکمی که ما درباره مسأله فیء کردیم، تنها برای این بود این گونه درآمدها "دوله" میان اغنیاء نشود، و "دوله" چیزی را گویند که در بین مردم متداول است و دست به دست می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۵۳). این آیه یک اصل اساسی را در اقتصاد اسلامی بازگو می‌کند و آن اینکه جهت‌گیری اقتصاد اسلامی چنین است که در عین احترام به "مالکیت خصوصی" برنامه را طوری تنظیم کرده که اموال و ثروت‌ها متمرکز در دست گروهی محدود نشود که پیوسته در میان آنها دست به دست بگردد. البته این به آن معنی نیست که ما پیش خود قوانین وضع کنیم و ثروت‌ها را از گروهی بگیریم و به گروه دیگری بدهیم، بلکه منظور این است که اگر مقررات اسلامی در زمینه تحصیل ثروت و همچنین مالیات‌هایی همچون خمس و زکات و خراج و غیر آن و احکام بیت‌المال و انفال درست پیاده شود خود به خود چنین نتیجه‌ای را خواهد داد که در عین احترام به تلاش‌های فردی مصالح جمع تأمین خواهد شد، و از دو قطبی شدن جامعه (اقلیتی ثروتمند و اکثریتی فقیر) جلوگیری می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۵۰۷). فلسفه این حکم نیز بر این استوار است که فقرا هم سهمی باید در این اموال داشته باشند. نتیجه این امر، موجب از بین رفتن فاصله طبقاتی و تحقق رفاه عمومی می‌گردد.

۵-۲-۲. سنت

دومین منبع در شناخت سیاست‌گذاری‌های شرع اسلام را باید سنت دانست. در روایات نیز تأکید

فـراوانی بـر عدالت شده است. همین امـر نیز زمینه‌ساز تحقق رفاه عمومی است. از باب نمونه می‌توان به روایات ذیل اشاره نمود:

الف) نامه ۵۳ نهج‌البلاغه: امام علی (ع) در بخشی از نامه به مالک اشتر می‌فرماید: «آنگاه، روزی‌ها را به فراوانی بر سرشان فرو ریز؛ زیرا چنان کاری برای آنان نیرویی است که با آن خواستار اصلاح خود می‌شوند، و وسیله‌ای است برای بی‌نیاز کردنشان از دست درازی به دارایی‌هایی که در زیردستشان دارند».

امام علی (ع) در این نامه و در سفارش به مالک اشتر اظهار می‌دارد که هیچ گروهی از مردم را در بهره‌مندی از امکانات مادی و رفاهی فراموش نکرده و به ایشان امر می‌کند، باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند تا همه مردم از امکانات مادی و رفاهی بهره‌مند شوند. امام علی بهره‌مندی از رفاه در سطح توسعه و گشایش را از حقوق مردم می‌دانند که بر عهده حاکم اسلامی است (رنجبران، ۱۳۹۷، ۱۹۰). ایشان توسعه و گشایش را ودیعه و حقی از سوی حضرت حق برای آحاد جامعه دانسته و و در همین نامه برای تحقق آن به والیان خود توصیه می‌نمایند: «نزد خدای تعالی برای تمام مردم گشایش و رفاه قرار داده شده است و تمام مردم بر حاکم حق دارند، چندان که امور آنان را سامان دهد».

ب) خطبه ۴۰ نهج‌البلاغه: امام علی (ع) در خطبه ۴۰ نهج البلاغه، نتیجه همه اقدامات حاکم و دولت را رفاه و آسایش مردم می‌شمارند و می‌فرماید: «تا نیکوکار در رفاه و از دست فاجر در آسایش باشد». در نتیجه هدف دولت از مجموع سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها باید رفاه عمومی و آسایش همه مردم باشد.

ج) روایات رفاه در زندگی: روایات زیادی وجود دارد که توسعه و گشایش در زندگی فرد مسلمان را از سعادت و خوشبختی او دانسته و فرد مسلمان را به تلاش و کار بیشتر دعوت کرده و رفاه بیشتر را امری پسندیده و مطلوب معرفی می‌نماید. مانند این روایت که نافع بن عبدالحارث می‌گوید پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «از سعادت و خوشبختی انسان مسلمان، مسکن وسیع و همسایه خوب و وسیله سواری شایسته است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۸۹) و یا امام صادق (ع) می‌فرماید: «وسعت و فراخی منزل از خوشبختی فرد است» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۲۶).

با توجه به این دسته از روایات و مطلوبیت رفاه زندگی حال باید گفت اگر مقدمات و شرایط رسیدن به این سطح از رفاه از سوی دولت اسلامی فراهم نباشد و دولت اسلامی وظیفه خود نداند، مسلما رسیدن به این سطح از رفاه بسیار دشوار است. پس وظیفه دولت اسلامی در ایجاد بسترهای لازم برای امکان تأمین این سطح از رفاه روشن است؛ زیرا اگر دولت اسلامی وظیفه‌ای در این خصوص نداشته باشد طبعا اقدامی برای ایجاد بستر و شرایط مناسب برای رسیدن مردم به این سطح از رفاه، انجام نداده و اصولاً خود را مکلف به چنین اقداماتی نمی‌داند که بخواهد اقدامی داشته باشد. در نتیجه تأمین رفاه در سطح گشایش و توسعه بر دولت اسلامی لازم و واجب است (رنجبران، ۱۳۹۷، ۱۹۱).

د) حدیث مایه زندگی بودن عدالت: امام علی (ع) در یک کلام کوتاه می‌فرماید: «عدل مایهٔ زندگی است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۲۶).

مطابق با فرمایش امام (ع)، عدل بن مایه و ریشه زندگی کردن است. در توضیح بیشتر باید گفت بر اساس تعریفی که از عدل می‌شود، زمانی که همه چیز در جای خود قرار می‌گیرد و حق هر ذی‌حقی به او داده می‌شود، جامعه، حیات پیدا می‌کند، شهرها و روستاها آباد می‌گردند، و در نتیجه آن رفاه و امنیت برای مردم محقق می‌گردد.

۵-۳. رفاه مطلوب و میزان آن

چنانچه بیان گردید رفاه به معنای بهره‌مندی مداوم، متعارف و در حد اعتدال مردم از مواهب و نعمت‌های الهی به صورت مشروع و معقول است. حد معقول از این برخورداری نیز زمانی است که از اسراف و تبذیر جلوگیری شده و همه امت مسلمان از آن بهره‌مند گردند (توتونچیان، ۱۳۷۹، ۱۱). علاوه بر این، تأکید روایات بر حد استغنا مؤید این میزان از رفاه است. همچنین حد متوسط و معتدل زندگی افراد جامعه، با سیر صعودی رشد، افزایش می‌یابد و رفاه نسبی پیوسته رو به تزاید می‌گذارد؛ امام علی (ع) در ارتباط با میزان رفاه می‌فرماید: «در دنیا بیش از کفاف نخواهید و از آن بیش ازحد نیاز نطلبید» (نهج البلاغه/ خطبه ۱۴۱). کَفاف نیز به معنای آن چیزی از رزق و روزی است که برای انسان کافی باشد، و حاجات او را برطرف کند به گونه‌ای که مردم بی‌نیاز گردند (واسطی زبیدی، ۱۴۲۰، ۴۶۱).

در بررسی رفاه عمومی به عنوان آرمان دیرینه بشر، باید اذعان نمود در نظریه لذت‌گرایی، خیر و خوبی و رفاه انسان صرفاً توسط غرایز و در لذّت شخصی محدود می‌گردد؛ زیرا خیر همان چیزی است که برای انسان لذت‌بخش است و عقل نیز خدمت‌گذار غرایز است تا به راحت‌ترین وجه بیشترین لذت را برای فرد تأمین کند. در مقابل در نظریه‌های اسلامی، عقل کلی جایگاه ممتازی داشته و خیر و خوبی انسان را در کمال هر دو بعد جسمی و روحی بشر معرفی می‌کند. بر اساس این نظریه، رفاه دنیوی و اخروی انسان با هـم پیونـد می‌خورد، در نتیجـه، رفاه انسان‌ها با یکدیگر مرتبط می‌شود (عربی، ۱۳۹۰، ۸۵). رفاه بر اساس مبانی اسلامی، مبتنی بر تقرب به خداست. بنابراین، تفاوت جوهری انسان و ارزش‌های انسانی در دیدگاه اسلامی و نظریه‌های متعارف نشان می‌دهد که دیدگاه اسلامی درباره رفاه، کمال‌گرا و در گرو کمال حقیقی هر دو بعد جسمی و روحی انسان است (عربی، ۱۳۹۰، ۸۳). البته باید لذات مادی و معنوی را در طول یکدیگر دانست تا عرض یکدیگر.

۵-۴. رفاه عمومی؛ هدف شارع در تشریع احکام

با تأملی در ابواب فقهی، با احکامی مواجه می‌شویم که در راستای هدف شارع جهت تحقق رفاه عمومی تشریع شده‌اند. البته در منابع فقهی، معمولا به احکام شرعی از دید فردی نگریسته شده است و همین امر موجب گردیده در برخی از عوارض مربوط به آن احکام، مقصود شارع مغفول بماند.

جهت رفع این نقیصه، نیاز است احکام شرعی با رویکرد فقه اجتماعی مورد بررسی قرار گیرند. رویکردی که می‌توان، رفاه اجتماعی و رفع و فقر و محرومیت را به ارمغان بیاورد.

۵-۴-۱. زکات

زکات در نظام اقتصادی اسلام از جمله راه‌کارهای اساسی از بین بردن فقر معرفی و روایات مطروحه مؤید این مهم هستند. بر این اساس، با کاستن فقر، رفاه مطلـوب بـرای همه طبقات جامعـه محقق می‌گردد (عسکری، ۱۳۹۸، ۲۹). آیات و روایات فراوانی بر وجوب زکات وارد شده است. عموما در قرآن کریم، زکات با عباراتی از قبیل «وَ اَقیمُوا الصَّلوةَ و اتُو الزَّکوةَ» در کنار نماز مطرح گردیده است. این امر نشان از اهمیت زکات دارد به گونه‌ای که در روایات مقرون بودن زکات با نماز، این‌گونه تفسیر شده است که کسی که اقامه نماز نماید اما زکات نپردازد، گویی نماز را نیز بر پا نداشته است (صدوق، ۱۴۱۳، ۱۰). علت وجوب زکات به عنوان ایجاد رفاه عمومی در روایت امام رضا (ع) نمایان می‌گردد که: «علّت (وجوب) زکات فراهم شدن روزی فقیران است، و محفوظ ماندن اموال ثروتمندان؛ چون که خداوند متعال، تندرستان را به سرپرستی زمین‌گیرشدگان و مبتلایان مکلّف ساخته است... و آنان را به مساوات و تقویت کردن فقرا، و مدد رساندن به آنان برانگیخته است، تا بتوانند به تکالیف دینی خود عمل کنند» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۲). از این حدیث ارزشمند، مشخص می‌گردد روزی فقیران در اموال ثروتمندان است، بنابراین، افراد مستمند در این اموال با ثروتمندان شریک هستند.

زکات از دریچه فقه اجتماعی می‌تواند منبع مهم مالی حکومت اسلامی باشد تا بتوان بر اساس آن جامعه‌ای عاری از فقر داشته و امنیت اجتماعی را تأمین نماید. این نگرش را می‌توان در منابع متعدد فقهی ملاحظه نمود. نگرشی که بر مالک واجب می‌داند تا زکات را به امام و حاکم اسلامی پرداخت کند. در این نگرش زکات، بودجه‌ای حکومتی است که باید در اختیار امام و حاکم اسلامی قرار گیرد، تا بر اساس مصلحت اسلام و مسلمانان آن را به مصرف برساند. امام خمینی (ره)، در این خصوص می‌نویسند: «همان گونه که امر زکات در هر زمان، بر عهده حاکم اسلامی است وی، بنابر مصلحت، مال زکات را در راه تعیین شده، هزینه می‌کند» (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ۶۶۲).

نگرش به زکات از دریچه فقه اجتماعی، موجب می‌گردد حاکم جامعه اسلامی بتواند از طریق منبع مالی زکات، گام‌های مهمی را در تحقق عدالت و رفع فقر بردارد و نتیجه این امر نیز منجر به تحقق رفاه عمومی می‌گردد. پذیرش دیدگاه دوم بر اساس فقه اجتماعی با فلسفه تشریع زکات نیز هم‌خوانی دارد؛ زیرا با تأمل در روایات وارده در باب زکات معلوم می‌شود، یکی از اهداف شارع در تشریع زکات، تأمین نیاز فقیران و مساکین بوده تا در نتیجه آن، زندگی آنها با دیگران یکسان گردد.

۵-۴-۲. خمس

خمس را باید از جمله کاربست‌های شارع در تحقق رفاه عمومی دانست. خمس یکی از واجبات مالی است که باید پرداخت آن همراه با قصد قربت باشد. فرد مسلمان در صورت وجود شرایطی که گفته می‌شود باید یک قسمت از پنج قسمت درآمدها را که از راه‌های گوناگون به دست می‌آورد به مصارفی که در شرع معیّن شده برساند. خداوند متعال در آیه ۳۱ سوره انفال می‌فرماید: «و بدانید هر گونه غنیمتی به شما رسید خمس آن برای خدا و رسول و ذی القربی و ایتام و مساکین و واماندگان در راه می‌باشد».

با لحاظ نگرش حکومت به خمس، تمامی خمس، بیش از یک بخش نیست و آن هم در اختیار حاکم اسلامی قرار می‌گیرد، تا در هرجا که مصلحت بوده مصرف کند. امام خمینی (ره)، در این خصوص می‌نویسد: «... هرکس در معنای آیه و روایات، دقت و اندیشه کند، در می‌یابد که همه سهم‌های خمس، از بیت‌المال است و حاکم، حقّ تصرف در آن را دارد و از نظر حاکم، که مصلحت مسلمانان را در نظر دارد، گریزی نیست. حاکم، باید از سهم سادات، زندگی سه گروه یتیم‌ها، مسکین‌ها و در راه ماندگان را بر حسب تشخیص خود، برآورد (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ۴۹۵).

حضرت امام، در این گفتار، بر این دو نکته، اشاره دارد که اولا خمس حقّ حاکم و در اختیار حکومت اسلامی است؛ ثانیا این حکم، درباره همه خمس جریان دارد، نه نیمی از آن‌که سهم امام باشد منتهی، حاکم، باید نیازهای گروه‌های سه‌گانه را برآورد.

بر اساس این رویکرد و در راستای اهداف عالی شرع اسلام که به قول امام خمینی (ره) یکی از اهداف شرع اسلام، تحقق رفاه است، خمس را باید حقّی مربوط به مقام و منصب امامت دانست. به عبارت دیگر، خمس بودجه‌ای است حکومتی که باید در اختیار حاکم اسلام گذاشته شود تا آن را در راستای محرومیت‌زدایی و تحقق رفاه عمومی، به مصرف برساند.

۵-۴-۳. صدقه

صدقه از جمله احکام مستحب در شرع اسلام است که می‌تواند نقش مهمی در تحقق رفاه عمومی داشته باشد. در حقوق اسلام، صدقه به عنوان یک همیاری اجتماعی است که توسط مؤمنین و تک‌تک افراد جامعه اسلامی، انجام می‌پذیرد و هرکس باید به اندازه وسع و توان خود، متکفل تأمین نیازهای ضروری سایرین بشود و در حق آنها نیکی و همدردی کند. امام علی (علیه السلام) در اهمیت صدقه می‌فرماید: «سنگین کنید ترازوهای خود را با صدقه دادن» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۳۳۴).

آن‌گونه که از منابع اسلامی فهمیده می‌شود، رفع فقر و محرومیت و در نتیجه تحقق عدالت اجتماعی، فلسفه و حکمت پرداخت صدقه است. صدقه در روایات به عنوان کامل‌کننده زکات (صدقه واجب) معرفی شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۲۹).

با رویکردی اجتماعی به صدقه، نقش حکومت اسلامی در مدیریت صدقات، بیشتر نمایان می‌شود. در حقیقت در فقه فردی هر فرد خود عهده‌دار رساندن صدقات به فقراء است لکن در ساختار فقه اجتماعی، مدیریت جامعه اسلامی، باید با برنامه‌ریزی، تشویق و تسهیل در پرداخت صدقه، رساندن صدقات به فقرای واقعی، عهده‌دار رفع فقر و محرومیت از جامعه شود. ابتکار امام خمینی (ره) در تأسیس کمیته امداد از جمله رویکردهای اجتماعی یک فقیه به یک مسأله شرعی است که می‌توان از یک مسأله شرعی ساده، به نحو کامل و احسن در تحقق رفاه عمومی بهره جست.

۵-۴-۴. وقف

یکی از عقودی که می‌تواند نقش فراوانی در محرومیت‌زدایی و ایجاد رفاه عمومی، داشته باشد، سنت «وقف» است. وقت هر چند در دایره عقود قرار گرفته است، اما از آن می‌توان به عنوان یک عبادت یاد نمود. وقف در اصطلاح شرعی، عقدی است که به موجب آن، اصل چیزی را حبس و نفع آن را برای موقوف علیهم آزاد می‌گذارند (شهید اول، ۱۴۱۰، ۴۵۸). منظور از حبس در این تعریف، این است که نقل و انتقال مال موقوفه به هر نوع ممنوع است و منظور از آزاد بودن منفعت موقوفه، یعنی استفاده از منفعت مال موقوفه برای افرادی که وقف به نفع آنان انجام شده است، آزاد می‌شود. وقف سنت حسنه‌ای است که در اسلام مورد تأکید و سفارش قرار گرفته است که می‌تواند باعث آثار و برکات فراوانی برای جامعه و ایجاد رفاه عمومی شود. تمدن اسلامی مدیون این سنت نیکو در طول تاریخ اسلام است که ابزاری مهم برای گسترش رفاه عمومی است (عزیزی، ۱۳۹۸، ۴۲). حکومت اسلامی می‌تواند با تشویق و ترویج فرهنگ وقف، مدیریت صحیح موقوفات، و استفاده از آنها، در رفع محرومیت و تحقق رفاه عمومی گام بردارد.

۵-۴-۵. قرض‌الحسنه

قرض‌الحسنه یکی از ابزارهای مالی مستحب در شرع اسلام است که در راستای تحقق عدالت توزیعی، کاهش فاصله‌های طبقاتی و ایجاد رفاه عمومی می‌توان از آن بهره جست. در منابع اسلامی، قرض‌الحسنه دارای اجر و پادش فراوانی است به گونه‌ای که خداوند متعال بارها در قرآن کریم قرض دادن به بندگان خود را در حکم قرض دادن به خود محسوب نموده است به عنوان نمونه خداوند متعال در آیه ۲۴۵ سوره بقره می‌فرماید: «کیست که به خدا قرض نیکو دهد، تا خدا بر آن چندین برابر بیفزاید».

در منابع دینی قرض‌الحسنه دارای فضیلت و اجر بیشتری نسبت به صدقه است به عنوان مثال امام صادق (ع) می‌فرماید: «بر در بهشت نوشته شده است: پاداش صدقه ده برابر و پاداش قرض هجده برابر است. پاداش قرض به این دلیل از پاداش صدقه بیشتر است که قرض‌گیرنده جز از سر نیاز قرض نمی‌گیرد، ولی صدقه‌گیرنده گاهی با اینکه نیاز ندارد، صدقه می‌گیرد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۳۹).

از مجموع ادله فقهی بر می‌آید که شارع حکیم، قرض‌الحسنه را در جهت رفع محرومیت و فقرزدایی، تشریع نموده است. در حقیقت شارع حکیم با نگاه جامع خود تمام جوانب امر در فقرزدایی را دیده است؛ زیرا چه بسیار زمان‌ها اتفاق می‌افتد که افرادی در عین حال نیازمند کمک هستند اما شأن خود را اجلّ از دریافت صدقه می‌دانند و یا صرف صدقه کفاف رفع مشکل آنها را ندارد. و از طرفی افرادی هستند که توان پرداخت صدقات زیاد را ندارند اما می‌توانند برای مدت زمان مشخصی اموال خود را به صورت رایگان در اختیار دیگران قرار دهند. بنابراین شارع حکیم سنت قرض‌الحسنه را تشریع نموده تا این بخش از نیازها را تأمین نماید. لکن این امر نیز از دو بعد فردی و اجتماعی قابل بررسی است. امروزه با تشکیل حکومت اسلامی، می‌توان از عقد قرض‌الحسنه استفاده بهینه نمود و از آن به نحو احسن در ایجاد رفاه عمومی بهره جست. هر چند حکومت اسلامی از طریق بانکداری اسلامی تا حدی تلاش نموده است از این تدبیر شرع اسلام بهره جوید لکن همچنان این امر نیازمند دقت و بررسی بیشتر است. تدابیر حکومت اسلامی در بهره جستن از سنت قرض‌الحسنه در راه‌اندازی کسب و کارهای جدید، ایجاد شغل و مسکن و ازدواج، می‌تواند دارای تنوع بیشتری باشد تا بتوان از طریق آن گامی جدی برای تحقق رفاه عمومی برداشت.

۵-۴-۶. نفقه

نفقه در اصطلاح فقهی عبارت است از آنچه که زن به آن نیاز دارد از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، خادم (موسوی خمینی، بی‌تا، ۲۹۹). قانون‌گذار ایران نیز در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض» و در ماده ۱۲۰۴ در خصوص نفقه اقارب مقرر می‌دارد: «نفقهٔ اقارب عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق».

نفقه زوجه در صورت دائمی بودن، تمکین و قابلیت استمتاع بر زوج واجب است (موسوی خمینی، بی‌تا، ۳۱۴). نفقهٔ پدر و مادر در صورت فقر و تمکن فرزندان بر عهده آنها و در غیاب آنان بر نوه‌ها و نتیجه‌ها واجب است (موسوی خمینی، بی‌تا، ۳۱۹). در صورت انجام این تکلیف، بخش بزرگی از افرادی که آسیب‌پذیرند یا در معرض فقر قرار دارند از جمعیت فقرا خارج و به زندگی در حد کفاف می‌رسند. با توجه به این تحلیل، روایت امام صادق (ع) به خوبی قابل تفسیر است: «برقراری رابطهٔ خویشاوندی و حسن هم جواری، آبادانی سرزمین‌ها را به دنبال داشته و موجب طول عمر می‌شوند» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۵۲).

در حقیقت شرع اسلام با الزامی نمودن نفقه اقارب، قسمتی از بار تحقق عدالت و رفاه عمومی را بر عهده خویشاوندان قرار داده است؛ زیرا علاوه بر

اینکه افراد در مقابل خویشان خود تکلیف دارند، ضرورت کمک به فقرو حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده، با این کاربست کاسته می‌شود. امروزه باید سنت‌های اخلاقی را در خانواده‌ها تقویت نمود؛ زیرا در دورنمای آینده نیز هیچ‌گاه دولت نمی‌تواند نقش سرپرستی اجتماعی را بدون کمک خواستن از بنیادهای خانوادگی به خوبی ایفا کند. بر این اساس با تقویت این حکم شرعی، می‌توان گامی مهمی در رفع فقر و تحقق رفاه عمومی برداشت.

۵-۵. رفاه عمومی در قوانین جمهوری اسلامی ایران

بر اساس نگرش فوق، جمهوری اسلامی ایران که داعیه‌دار اجرای شریعت اسلام است، یکی از شعارهای اصلی خود را تحقق عدالت و رفاه عمومی قرار داده است؛ بر این اساس تلاش نموده است با وضع قوانین و مقررات، عدالت اجتماعی و به تبع آن رفاه عمومی را در جامعه محقق نماید. به این دلیل با هدف تأمین مسکن محرومان و توسعه و عمران روستاهای کشور، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تشکیل شد. کمیته امداد امام خمینی (ره)، با هدف فقرزدایی در مناطق شهری و روستایی تأسیس گردید. نهاد جهاد سازندگی نیز در ۲۷ خرداد ماه ۱۳۵۸ با فرمان امام خمینی (ره)، با شعار فراهم آوردن نهضتی همه‌جانبه برای مبارزه با فقر و محرومیت و توسعه و عمران روستایی، به وجود آمد. افزون بر تأسیس نهادهای مختلف، توجه فراوانی به رفاه عمومی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شد. با گذری کوتاه در قانون اساسی ایران، ملاحظه می‌گردد در اصول متعدد، این مهم، مورد تأکید قرار گرفت. در اصل ۲۸ ق.ا. دولت موظف شده است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید و در اصل ۲۹، برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی همگانی دانسته شده است و دولت موظف گردیده است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.

آموزش رایگان نیز از جمله عوامل مهم رفاه اجتماعی است که اصل سی‌ام قانون اساسی آن را مورد تأکید قرار داده است و در اصل سی و یکم داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی دانسته شده و دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستانشینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

و در بند اول اصل ۴۳ قانون اساسی، برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، به تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و

امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه افراد جامعه تصریح شده است.

در قوانین عادی نیز توجه به رفاه عمومی کاملا مشخص است به عنوان مثال قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، در مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ ۱۳۸۳/۳/۹ به تأیید شورای نگهبان می‌رسد.

همه این‌ها نشان از آن دارد جمهوری اسلامی ایران، پس از انقلاب ۱۳۵۷، عزمی راسخ داشته است که با سرلوحه قرار دادن مبانی دینی، فقر و محرومیت را ریشه‌کن نموده و عدالت اجتماعی و رفاه را برای عموم مردم جامعه محقق نماید. ملاحظه می‌شود در چهار دهه اخیر نیز تلاش‌های فراوانی جهت محرومیت‌زدایی، عدالت اجتماعی و رفاه عمومی در جامعه شده است و از عدالت دور است که تلاش‌ها نادیده گرفته شود. به عنوان مثال حقوقی همانند تحصیل رایگان، بیمه درمانی همگانی که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است در عمل نیز تا حد قابل قبولی به رسمیت شناخته شده است. با این وجود دلیل عوامل متعدد داخلی و خارجی از جمله ضعف در ساختار مدیریت، تعدد تصمیم‌گیران و نبود صدای واحد، قوانین متعدد و بعضاً ناکارآمد و تحریم‌های خارجی موجب گردیده است که انقلاب اسلامی ایران به تمام آرمان‌های خود در این زمینه دست نیابد.

۶. نتیجه

پژوهش انجام گرفته مدعی بررسی تمامی احکام شرع که در راستای تحقق رفاه عمومی تشریع شده است، نیست؛ بلکه با گذری کوتاه به برخی از احکام، به دنبال اثبات این ادعا بود که شرع اسلام توجه ویژه‌ای به رفاه عمومی داشته، بر این اساس از تمامی ظرفیت‌های فقهی استفاده نموده است تا بتواند گامی اساسی در تحقق عدالت اجتماعی، رفع فقر و محرومیت و کاهش فاصله طبقاتی بردارد. با توجه به این نکته، رفاه عمومی -که به معنای بهره‌مندی پیوسته، متعارف و در حد اعتدال مردم از مواهب و نعمت‌های الهی به صورت مشروع و معقول است- یکی از مقاصد شرع اسلام است، لکن در کنار رفاه مادی، رفاه معنوی نیز مدنظر قرار گرفته به گونه‌ای که هر دو بعد جسمی و روحی انسان را در بر می‌گیرد. بر اساس سیاست‌گذاری‌های کلان اسلام، و با توجه به فلسفه تشریع احکام و مقاصد الشریعه، رفاه عمومی در شرع اسلام، به عنوان یکی از فضیلت‌ها و اولویت‌های شرع، مطرح می‌گردد. کاربست‌های شرع اسلام در تحقق رفاه عمومی، گاهی در قالب احکام الزامی همانند خمس، زکات و نفقه جلوه می‌کند، گاهی در قالب احکام مستحب و ترجیحی همانند وقف، قرض‌الحسنه و صدقه نمایان می‌شوند. نگرش اجتماعی به احکام مذکور، موجب می‌گردد حاکم جامعه اسلامی بتواند با مدیریت زکات، خمس، وقف، صدقات، قرض‌الحسنه گام‌های مهمی را در تحقق عدالت و رفع فقر بردارد و نتیجه این امر نیز منجر به تحقق رفاه عمومی می‌گردد.

۷. سهم نویسندگان

تمامی نویسندگان در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

منابع

- آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید، ۱۳۷۳.

- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، رساله نوین امام خمینی (ره)، تهران، موسسه انجام، ۱۳۶۳.

- پاتریک، تونی فیتس، نظریه رفاه، مترجم: هرمز همایون‌پور، تهران، موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۳.

- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، جلد یکم، قم، دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰.

- توتونچیان، ایرج، «کاربرد نظریه عدالت اقتصادی در نظام اسلامی»، مجله تحقیقات اقتصادی، ۱۳۷۹.

- جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، تهران، نشر اسراء، ۱۳۸۱.

- جوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة و صحاح العربیة، جلد دوم، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۱۰.

- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، جلد نهم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۹.

- خامنه‌ای، سید علی، بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری، ۱۳۷۲.

- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، جلد چهاردهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

- رنجبران، مهدی، «مبانی فقهی تأمین رفاه عمومی، سطح گشایش در دولت اسلامی»، فصلنامه فرهنگ پژوهش، ۱۳۹۷.

- ساعی، احمد، سیفی، عبدالمجید، اقتصاد سیاسی توسعه نیافتگی، تهران، نشر قومس، ۱۳۹۵.

- شهید اول، محمد بن مکی، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، بیروت، دار التراث، ۱۴۱۰.

- صدوق، محمّد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، جلد دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳.

- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد نوزدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.

- عربی، سیدهادی، «بررسی تطبیقی نظریه‌های رفاه و بهروزی»، فصلنامه جستارهای اقتصادی، ۱۳۹۰.

- عزیزی، زهرا، وقف از منظر اسلام و کارکردهای آن در حوزه رفاه اجتماعی، بیرجند، دانشگاه بیرجند، ۱۳۹۸.

- عسکری، محمد مهدی، نقش زکات در کاهش فقر، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۸.

- عیوضلو، حسین، «معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی شریعت اسلام، دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۹.

- قرائتی، محسن، تفسیر نور، جلد یکم، قم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۵.

- کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب، الکافی، جلد دوم و سوم و ششم، قم، دار الحدیث للطباعه و النشر، ۱۴۰۷.

- محمدیان خراسانی، امیر، «بررسی سیاست‌ها و دیدگاه‌های رفاهی حکومت علی بن ابیطالب (ع)»، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۹۱.

- مجلسی محمدباقر، بحارالأنوار، جلد هفتاد و سوم، هفتاد و هشتم و صدم، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.

- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد بیست و سوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

- موسوی خمینی، سیدروح اللّه، کتاب البیع، جلد دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۲۱.

- موسوی خمینی، سیدروح الله، تحریرالوسیله، جلد یکم و دوم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، بی‌تا.

- موسوی خمینی، سیدروح الله، صحیفه نور، جلد هفتم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴.

- موسوی دیجوجین، میرهاشم، «ارائه و تبیین ارکان جهت‌ساز الگوی راهبردی رفاه عمومی»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۳۹۶.

- نعمتی، محمد، «نقد ابتنای اقتصاد اسلامی بر مطلوبیت‌گرایی»، فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، سال نهم، ۱۳۹۵.

- واسطی زبیدی، حنفی، تاج العروس من جواهر القاموس، جلد چهارم و داوزدهم، بیروت، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۲۰.

منابع لاتین

- Samuels, David. An Introduction to Comparative Politics, Oxford: Oxford University Press, 2013.